

دریاچه

تاریخ برترین دادگاه‌است

محمود قاضلی

■ کشمکش میان احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی یونان به صحنه‌های علنی و عمومی مانند برنامه‌های تلویزیونی نیز کشیده شد و در یکی از مناظر ده‌های تلویزیونی بین سیاستمداران احزاب مختلف که رویدادهای اقتصادی این کشور را بررسی می‌کردند، با داغ شدن موضوع و بالا گرفتن اختلاف سیاستمدار راستگرای یونان از حزب طلوع طلایی (خریسی آوگی) که سخنگوی حزب خود نیز به شمار می‌آید از کوره در رفت و به سوی دیگر طرف مناظره که دیدگاهی مخالف با او داشت حمله‌ور شد. آقای کاسیدیباریس سخنگوی سازمان نژادپرست تندروی نئونازی خریسی آوگی و دو نفر از کاندیداهای دو حزب دیگر یونان در انتخابات پارلمانی ۱۷ژوئن، در یک برنامه خبری زنده تلویزیونی در شبکه خصوصی «آنتنا» علیه کاندیداهای چپ‌گرا حمله فیزیکی کرد. نامبرده در یک درگیری لفظی با خاتم «کانلی» کاندیدای حزب کمونیست و خاتم «دورو» کاندیدای ائتلاف چپ، تسلط خود را از دست داده و اولی را مورد حمله فیزیکی قرار داده و چند سیلی به صورت وی وارد کرده و علیه دومی یک لیوان آب پرتاب کرد. این اقدام در حالی صورت گرفت که تعداد زیادی از شهروندان یونانی مستقیماً این برنامه را تماشا می‌کردند. آقای «پاپولیاس» رییس جمهوری یونان این اقدام را محکوم کرد و از مقامات این کشور خواست براساس قوانین مانع وقوع چنین رفتاری شوند. روسای احزاب سیاسی یونان نیز این رفتار و حمله خشونت‌بار علیه یک بانوی نماینده پارلمان یونان را محکوم کردند. رسانه‌های گروهی همچنین اعلام کردند، سخنگوی حزب نئونازی پس از حمله به خاتم کللی، متواری شده و پس از حکم دادگاه، پلیس درصدد دستگیری او بر آمده است. مراجع قضایی یونان حکم جلیی را برای سخنگوی حزب راستگرای «طلوع طلایی» یونان صادر کرده‌اند که براساس آن، او متهم به کتک‌زدن یکی از اعضای حزب چپ‌گرا یونان و دست‌داشتن در یک سرقت مسلحانه در سال ۲۰۰۷ است. وی بعد از وقوع درگیری در اتاقی در این شبکه مجبوس شده بود که توانست با شکستن در از آنجا فرار کند.

خاتم «لیانا کللی» نیز که در هنگام دفاع از همکار خود، سه بار از آقای کاسیدیباریس سیلی خورد، با واکنش به حمله‌ای که به او صورت گرفته گفت: «بن باعث افتخار من است. وقتی ابلمی به شما سیلی می‌زنم، در واقع شخصیت خودش را نشان داده است. امیدوارم حداقل مادرش به او مفتخر باشد. به‌نظر من صندوق‌های آرا در روز انتخابات پارلمانی در ۱۷ژوئن پیش روی ما هستند. تاریخ برترین دادگاه‌است.» دولت‌موقت یونان ضمن محکوم کردن این اقدام، از حزب موسوم به نئونازی یونان خواسته‌است که رسماً از این اقدام عذرخواهی کند. یک روز پس از این حادثه آقای کاسیدیباریس ضمن دفاع از خود، این شبکه تلویزیونی یونان را متهم به مونتاژ تصاویر کرده و اعلام داشته از این شبکه شکایت خواهد کرد.ازحزب نئونازی یونان برای اولین‌بار در انتخابات ۱۸دیدهپشت، ۹۷/۶درصد کل آرا (۴۰۸۹۴ رای) را به خود اختصاص داد و برای اولین بار ۲۱ نماینده وارد پارلمان یونان کرد.

ایمن حزب نئونازی در سال‌های اخیر سیاست‌های ضدمهاجرتی را در پیش گرفته و بارها بر اخراج همه مهاجران خارجی مقیم این کشور تأکید کرده است. هفته گذشته نیز حمله دو عضو این گروه و دختررییس این حزب به یک مهاجر پاکستانی نیز خریساز شده بود. دو نفر از اعضای این گروه پس از این حمله برای لحظاتی دستگیر شده بودند، اما به دلیل عدم وجود شواهد کافی آزاد شده بودند.

برخی از احزاب یونان ضمن محکوم کردن حادثه اخیر از مردم یونان خواستند با تجدیدنظر در دیدگاه خود، از رای دادن به ایمن حزب در انتخابات سراسری ۱۷ژوئن خودداری کنند. روزنامه راست‌گرای کاتی‌مرینی حمله فیزیکی سخنگوی سازمان نژادپرست خریسی آوگی علیه دو کاندیدای زن حزب کمونیست و ائتلاف چپ در یک برنامه زنده تلویزیونی را موجب نگرانی شدید شماری از وزرای اروپایی دانست. آنها نگرانی خود را در حاشیه اجلاس شورای امور داخلی اتحادیه اروپایی ابراز کردند. یک دیپلمات اروپایی که نخواست نامش فاش شود، در جلسه اخیر این شورا تصاویر ویدیویی حمله فیزیکی یادشده پخش شد و وزرای اروپایی ضمن ابراز خشم خود از روندی که یونان در آن قرار گرفته‌ابراز نگرانی کردند.

یک روز پس از این حادثه، یک خبرنگار اسرائیلی به نام «شغلر» که جهت پوشش خبری انتخابات و تهیه گزارش درخصوص سازمان نژادپرست خریسی آوگی به یونان سفر کرده است مورد حمله و ضرب و شتم اعضای این سازمان قرار گرفت. او در حالی که از منطقه مرکزی شهر بازدید می‌کرد شاهد حمله ۲۰ نفر از اعضای سیاهپوش خریسی آوگی علیه مهاجرین خارجی بود و با دوربین خود تصاویر زیادی از این حمله برداشت. در ادامه اعضای خریسی آوگی متوجه شدند که نامبرده تصویر آنان را ضبط کرده و به همین جهت به وی حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم شدید قرار داده و دوربین وی را نیز با خود بردند. به گفته این خبرنگار اسرائیلی افراد سیاهپوش او را به مدت ۱۵ دقیقه مورد ضرب و شتم قرار دادند و هیچ مامور پلیسی در منطقه حضور پیدا نکرد.



اروپا هرگز پیشینه زیبایی نداشته است. تاریخ اروپا تا قبل از جنگ جهانی دوم، برای یک شهروند امروزی اروپا، تاریخی افتخارآمیز محسوب نمی‌شود. حتی بعد از جنگ نیز آنچه در گوشه‌ای از جغرافیای اروپا حاصل می‌شود سرشار از شرمندگی است. اما روزی در اروپا و در پرتو یک اراده و خواست جمعی و در محدوده‌ای کوچک و نه‌چندان وسیع، در نخستین سال‌های دهه ۴۰میلادی، بعد از پایان جنگ و در پرتو «اندیشه» و «فاهم» شش کشور و با تانسیس اتحادیه زغال‌سنگ و فولاد به پایه‌ریزی بنایی پرداختند که بتواند تفاهم و همکاری و همگرایی را جایگزین عدولت، واگرایی، خصومت و جنگ کنند. مجموعه این همکاری‌ها اما به تانسیس بازار مشترک اروپا EEC و بعد EC و نهایتاً به اتحادیه اروپا (EU) منجر شد.
اینک پس از حدود ۶۰ سال اتحادیه اروپایی با گسترش کمی و کیفی خود و افزایش کشورهای عضو تا ۲۷ کشور و تحقق همگرایی‌ها و همگرایی بسپار، تا رسیدن به حذف مرزهای سنتی «فرادار» شنگن» یا تحقق پول واحد اروپایی «یورو» و گردش آزاد کار و سرمایه» در بین اعضا توانست موفقیت‌های فراوانی کسب کند. در عین حفظ آداب و سنن، استمرار باورهای ملی و احساسات ناسیونالیستی ملل و کشورها، این مجموعه به تشکیل اتحادیه‌ای پرداخت که عضویت در آن براساس خواست هر ملت و با رای مردم آن کشور و از سر شوق و در چارچوب یک همه‌پرسی عمومی صورت پذیرفت. پول واحد که در بین ۱۷عضو از حدود سال ۲۰۰۷ در جریان است به عنوان سمل و بهترین دستاورد و حاصل اراده جمعی این فرآیند، به نام «یورو» معرفی اتحادیه اروپا شد. بخش عمده‌ای از اروپا و بعد از جنگ و در رفتاری خردگرایانه راه همکاری و همیاری و تفاهم و بستن راههای هر گونه چالشی که بتواند این کشورها را در مسیر تقلیل و دارد را انتخاب کرده‌اند و تا حد امکان در پرتو ایجاد ساختارهای جدید و مناسب با این همکاری‌ها و گسترش تفاهم و نزدیکی گه‌گه‌گه بعد از پذیرش و ورود هر کشور نیز به اتحادیه، که افتخاری برای دولت حاکم و مردم آن کشور بود، جشن و پایکوبی سراسر آن کشور افرای می‌گرفت.

کشورهای ضعیف و کوچک چه به لحاظ جغرافیایی یا حتی ابعاد اقتصادی، با ورود به اتحادیه و از قبل کمک‌ها وام‌های قابل درآمد بدون بهره یا کم‌بهره و در مشارکت‌های مهمی با سایر اعضا می‌توانستند در دورانی کوتاه از توسعه و رشد درخوری برخوردار شوند. اگرچه دیری است دیگر اروپا، از وجود این‌گونه مردان و سیاستمداران برجسته خالی و تهی است. اروپا مدت‌هاست حاکمان جدیدی از نسل دیگری را تجربه می‌کند که با لندک آراییی بر رقیب خود پیشی گرفته و به قدرت می‌رسند و البته خوشبختانه قدرت را نیز بهنگام ترک می‌کنند.

وضعیت بحران‌زده اقتصادی در بسیاری از کشورهای اروپایی که منجر به توافقات و تفاهمات جدید در سطح اتحادیه اروپا برای نظادبن به امور مالی شد و حاصل آن اجبار دولت‌های حاکم به پذیرش بسته‌های ریاضتی بود که باید در حوزه کشورهای خود آن را عملی می‌ساختند.

اگر کان اصلی این گه‌گه‌گه سیاست‌ها و بسته‌های ریاضتی چیزی نیست جز افزایش سن بازنشستگی، محدودیت استخدام در بخش‌های دولتی، کاهش هزینه‌های فاهی، افزایش ساعات کار، کاهش مرخصی‌ها و نهایتاً کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش مالیات‌ها که عموماً این نوع سیاست‌های محدودکننده برای شهروندان اروپایی بسیار غیرقابل تحمل است. از سوی دیگر شرایط موجود تنها به نارضایتی شهروندان کشورهای کوچک آلمانی یا حتی فرانسوی که کشورهایشان ممکن است به لحاظ شاخص‌های اقتصادی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار باشند نیز از اینکه با پرداخت بخشی از درآمد خود به عنوان مالیات باید هزینه شهروندان دیگر کشورهای ضعیف اروپایی را بپردازند، ناخشنودند.

پیچیدگی مسایل اروپا و وضعیت بین‌المللی در عرصه سیاسی و اقتصادی در شرایط موجود و ابهام‌هایی که پاسخ آنها می‌تواند برخی در کوتاهمدت یا میان‌مدت داده‌شود آینده اروپا را نیز با ابهام و ابهام‌های بسیار مواجه می‌کند.

انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری فرانسه چند تحول قابل مطالعه به چشم می‌خورد که اشاره به آنها می‌تواند قابل تامل باشد. کاندیدای حزب سوسیالیست اولاند در مقایسه با سیاستمداران و چهره‌های حزبی اروپایی اصولاً سیاستمداری حرفه‌ای محسوب نمی‌شود. اگرچه باید منتظر ماند و دید رویاها و شعارهای انتخاباتی و سیاسی قبل از انتخابات و پیش از ورود به الزمه نهایتاً بر مسند صدارت و در مقام ریاست جمهوری از چه اندازه می‌توانند تعبیر و محقق شوند؟ سفر اخیر او به آلمان و دیدار با مسرکل که جانشه در حمایت از رقیب محافظه‌کار او، سارکوزی سعی بسیار کرده بود در تعیین سیاست‌های اروپایی و خصوصاً سیاست‌های مربوط به اقتصاد و یورو می‌تواند دیرتر تکلیف اولاند را کمی روشن‌تر کند که آیا عملاً بر شعار انتخاباتی خود درخصوص پیمان ثبات یورو و سیاست‌های ریاضتی تا کجا می‌تواند به مرکل نزدیک یا در جهت شعارهای اعلامی خود مبنی بر ایجاد سیاست‌های تشویقی و ایجاد بستر رشد پفاشاری

کند سفر او به آمریکا و شرکت در اجلاس سران «جی هشت» نشان داد که احتمالاً توانسته است تا حد زیادی سیران سایر این گروه را به سیاست‌های اعلامی خود درخصوص رشد متقاعد کند تا آنجایی که برخی ناظرین حاصل نشست سران «جی هشت» را انزوا می‌مرکل می‌دانند. نکته مهم دیگر انتخابات فرانسه که بسیار حایز اهمیت است ظهور و بروز حزب راست افراطی جبهه ملی لوین بود که برای نخستین‌بار ۱۸درصد آرا را به دست آورد. این نتیجه چه در فرانسه و چه در سطح اروپا باعث تعجب و تا حدودی غافلگیری ناظران سیاسی را فراهم آورد. علاوه بر نتایج آرای طیف راست‌افراطی، طیف چپ‌افراطی نیز به نتایج غیر قابل پیش‌بینی نایل آمد. احزاب چپ و راست افراطی در انتخابات فرانسه بالای ۳۰درصد از کل آرا را به دست آوردند.

شکست سارکوزی که خلاف اسلاف خود موازین و عمومی صورت پذیرفت. پول واحد که در بین ۱۷عضو از حدود سال ۲۰۰۷ در جریان است به عنوان سمل و بهترین دستاورد و حاصل اراده جمعی این فرآیند، به نام «یورو» معرفی اتحادیه اروپا شد. بخش عمده‌ای از اروپا و بعد از جنگ و در رفتاری خردگرایانه راه همکاری و همیاری و تفاهم و بستن راههای هر گونه چالشی که بتواند این کشورها را در مسیر تقلیل و دارد را انتخاب کرده‌اند و تا حد امکان در پرتو ایجاد ساختارهای جدید و مناسب با این همکاری‌ها و گسترش تفاهم و نزدیکی گه‌گه‌گه بعد از پذیرش و ورود هر کشور نیز به اتحادیه، که افتخاری برای دولت حاکم و مردم آن کشور بود، جشن و پایکوبی سراسر آن کشور افرای می‌گرفت.

انتخابات سراسری پارلمانی در یونان

با فرا رسیدن ششم ماه می، مردم کشور بحران‌زده یونان در انتخابات پارلمانی این کشور شرکت کردند. انتخابات

پارلمانی فرصتی بود تا تمامی سلیقه‌ها و جناح‌های سیاسی کشور که مدت‌ها قبل براساس سیاست‌های دولت یونان و فشارهای اتحادیه اروپا تن به اجرای سیاست‌های ریاضتی اقتصادی داده‌اند، این بار، به‌طور گسترده «در تظاهرات خیابانی سر به اعتراض و عصیان برداشتند و تا حد برخورد پلیس و خونسخت‌های سخت به مبارزه و نبرد پرداختند» و در چارچوب انتخابات سراسری و به شکلی آرام و مدنی

سیاست‌های حاکمان احزاب خود را به نقد کشیدند. کشوری و مردمی که در دریای ماطلام از مشکلات عدیده اقتصادی، امواج سهمگین سیاست‌های ریاضتی را بر خود تحمیل و تحمل کرده‌اند و در کشاکش و تلاطم این امواج، این تنها شهروندان و سیاستمداران یونانی نیستند که در بیم و امید و سختی‌های معیشتی چشم به صندوق‌های آرا و فرجام آن دارند. در مرحله فراتر از این شهروندان و سیاستمداران و رهبران ۲۷ کشور دیگر به‌اضافه تمامی مردان اقتصاد و تجارت و سیاست اروپا و کمی دورتر حتی در آمریکای شمالی و ای‌سا بخش‌های عمده‌ای از کشور حتی بر تالاطم مزبور ناقد خود را به سرنواشت یونان، وضعیت یورو و انتخابات این کشور دوخته‌اند. انتخابات به پایان می‌رسد، حاصل کار، حکایت از بدعت‌های جدید و واژگونی معیارها و تغییر کیفی سنت‌های دیرینه انتخاباتی این کشور دارد. هردو حزب بزرگ و رقیب «دموکراسی نوین» که حزبی است محافظه‌کار و حزب سوسیالیست «پاسوک» هیچ‌کدام نتوانستند خلاف سنت دیرینه در این کشور اکثریتی را در پارلمان به دست آورند.

این در حالی است که میزان آرای ائتلاف چپ‌گرای سی‌ریزا که خود یک شگفتی است. شگفت‌آورتر حزب نئونازی یونان است که برای نخستین‌بار در تاریخ جدید این کشور توانست با کسب کرسی‌های وارد پارلمان یونان شود. این حزب شش‌درصد آرا را از آن خود کرد. در یونان نیز گفته می‌شود سیاست‌های غلط حزب پاسوک و دموکراسی نوین و تحمیل سیاست‌های ریاضتی اقتصادی به مردم از سوی اتحادیه اروپا نیز یکی از دلایل رشد حزب نئونازی است.

اگرچه رهبران این حزب مدعی‌اند که مردم یونان همواره تفکری ملی‌گرایانه داشته‌اند و امروز تنها فرصت بروز آن را یافته‌اند، رهبران این حزب وعده می‌دهند که بنا را بخواران جهانی و برده‌داری جدید تحمیل شده از سوی اتحادیه اروپا و سیاست‌های ظالمانه صندوق بین‌الملل پول مبارزه خواهند کرد. جای یادآوری است قبلاً حزب پاسوک نیز که جایگاه سوم در انتخابات اخیر را کسب کرد اعلام کرده بود آنها نیز مخالف بازپرداخت بدهی‌های میلیاردی یونان به اتحادیه اروپا هستند اگرچه اعتقاد دارند یونان همچنان باید در حوزه یورو باقی بماند. رهبر حزب دموکراسی نوین نیز که صدراعزین گروه‌های منتخب در انتخابات اخیر به شمار می‌آید در اظهارنظری رای

جهان



چهار کشور، چهار انتخابات، یک پیام

«نه» بزرگ سیاستمداران سرشناس

بهرام قاسمی

مردم یونان را نشانه‌ای از ناامیدی، نارضایتی و سرخوردگی مردم یونان دانست که حاصل سیاست‌های ریاضت اقتصادی است. بسا این وجود در چنین فضایی و با توجه به اینکه هیچ‌کدام از احزاب یونان موفق به کسب آرای حداکثری نشدند این بخت و آزمون به احزاب برتر یونان داده شد، اما هیچ‌کدام نتوانستند در مذاکره با سایر احزاب کوچک‌تر به تفاهمی برای تشکیل یک دولت ائتلافی نایل آیند. از این‌رو براساس همان قوانین ناچار فرمان انتخابات مجدد صادر شد. اما حاصل کلام در بیان آنچه در یونان اتفاق افتاد، کاهش آرای احزاب سنتی و طراز اول این کشور و افزایش آرای احزاب افراطی و مخالف حضور یونان در اتحادیه و حوزه پولی یورو و بازپرداخت بدهی‌های یونان، است.
انتخابات سراسری شهرداری‌ها در ایتالیا

ایتالیا به عنوان یکی از شش کشور اولیه مؤسس اتحادیه زغال‌سنگ و فولاد در دهه ۴۰میلادی که در یک روند و بستر تکاملی به بازار مشترک اروپایی و نهایتاً به اتحادیه اروپایی امروز تبدیل یافت و به عنوان سومین قدرت اقتصادی اروپا شناخته می‌شود، بعد از بحران در حوزه اروپا و یورو، دچار بحران بزرگ اقتصادی خود طی دهه‌های اخیر شد. دولت راست‌میانه برلوسکونی، نهایتاً مجبور به استعفا شد، و سرانجام یک دولت نانشاخته به ریاست مارا مونتی که در سوابق او نیز خبری از تجارب اجرایی و مدیریتی ندیده نمی‌شد با توافق ریاست جمهوری و احزاب به تشکیل دولت پرداخت. او اسناد اقتصاد در ایتالیا و در آمریکا و مدتی نیز به عنوان کمیسر اتحادیه اروپا در بروکسل بوده است. او نیز در کشور خود کمتر از آنکه باید شناخته شده بود، او با گزینش افرادی کاملاً تکنوکرات به عنوان وزرای کلینیه، کار خود را به عنوان یک دولت کاملاً تخصصی و غیرسیاسی آغاز کرد. ویژگی مهم آقای مونتی حزبی و سیاستمدار نبودن او بر همه‌فعلی بحران اقتصادی ایتالیا تلقی می‌شود. کلینیه او نیز چنین شرطی را رادارست.

البته سیاست‌های ریاضتی ایتالیا نیز موجب نارضایتی و مخالفت گروه‌های عمده‌ای از جامعه رفاهطلب ایتالیاست. مونتی در کمتر از یک سالی که مسئولیت نخست‌وزیری را پذیرفته است به کمک دولت غریب‌خیزی خود به آرامی و با کمترین شعار و جنجال بزرگ سیاسی در صدد اجرای سیاست‌های مورد نظر خود و اتحادیه اروپا بوده و به عکس سایر کشورهای بحران‌زده اتحادیه اروپا تا به آنجا رفته است که امروز سخن و نگرانی کمتری در مورد آینده ایتالیا وجود دارد تا حدی نگرانی‌ها نسبت به این کشور ظاهر کمتر از قبل است. اما واقعیت آن است که ایتالیا نیز در ۲۰۱۴ باید انتخابات سراسری پارلمانی خود را داشته باشد و هرآنچه در توان مونتی و یاران غیرسیاسی او وجود دارد باید به گونه‌ای به اجرا گذاشته شود که تا آن زمان ایتالیا با مشکلات کمتری مواجه شود.

با این‌همه، انتخابات هفتم ماه می ایتالیا نیز همان‌گونه که در سایر نقاط اروپا دیده شده بودن نشانی و محکی بر عوارض ناشی از سیاست‌های ریاضت اقتصادی و وضعیت جدید بود. این انتخابات

شدیدا به عرصه و جولانگه‌ای برای بیان مخالفت و اعتراض مردم به طرح‌های ریاضتی و شدت حاکمیت و دولت مونتی و احزاب بزرگ سنتی کشور تبدیل شد. انتخابات محلی ایتالیا اگرچه با یک انتخابات پارلمانی سراسری به دلایل مختلف می‌تواند متفاوت باشد اما آنچه از نتایج این انتخابات حاصل شد می‌تواند محکی برای هرگونه انتخابات دیگری در آینده این کشور باشد. کاهش آرای احزاب سنتی «ملت آزادی» یا ائتلاف شمال یکی از نشانه‌های انتخابات ایتالیا بود که به نوعی عکس‌العمل یا تنبیه مردمی این احزاب تلقی می‌شود. در مقابل بزرگ‌ترین برنده این انتخابات حزبی جدید بنام «جنبش پنج ستاره» بود که در شعارها و مواضع خود تقلیل با سیاستمداران سنتی و خارج‌کردن ایتالیا از حوزه یورو یکی از اساسی‌ترین شعارهای انتخاباتی آنها بوده است.

این انتخابات در بیش از ۹۴۰ شهر برگزار شده و حدود ۹میلیون ایتالیایی در آن شرکت کرده‌اند (این انتخابات برای انتخاب شهرداران و شوراهای شهر است).

طبق اعلام وزارت کشور ایتالیا نیز ۶۷درصد از واجدین شرایط در انتخابات حضور داشتند و رای داده‌اند. عدد مشابه برای انتخابات مشابه قبلی در ایتالیا رقمی حدود ۷۴درصد بوده که رقم مزبور حکایت از کاهش حدود ۷درصدی مردم در انتخابات مزبور دارد.

انتخابات در ایتالیا نیز مانند انتخابات در فرانسه و یونان دارای ویژگی‌های خاص و در مواردی کاملاً مشابه‌اند.



عکس:Getty Images

در این انتخابات میزان آرای سفید و باطله به صندوق ریخته شده در مقایسه با گذشته بسیار جلب توجه کرده است. برخلاف کاندیداهای احزاب سنتی، کاندیداهای احزاب نوظهور، معترض و اپوزیسیون از وضعیت بسیار مطلوب‌تری برخوردار بوده است. یعنی کاندیداهایی که با سیاست‌های جاری و حاکم در کشور مخالفت بیشتری داشته‌اند اقبال بیشتری یافته‌اند.

کاندیداهای جناح چپ میانه، مستقل یا به صندوق بیشتر و کاندیداهای احزاب راست سنتی و میانه و حزب ملت آزادی برلوسکونی و ائتلاف شمال و حزب موسوم به قطب سوم (راست میانه) تا‌کام این عرصه رقابتی بوده‌اند. بعضی احزاب تند و چپ‌گرا و جدید و حتی هنوز ناشناخته مانند «جنبش پنج ستاره» نه آنکه نتوانستند نام و مرام خود را مطرح که آرای خوبی را بر همغان برند. «جنبش پنج ستاره» نیز با شعار خروج ایتالیا از حوزه یورو،، سوار بر دوش فشاری از جامعه که تحت سیاست‌های ریاضتی، معیشت سختی یافته‌اند خود را مطرح کرد.

انتخابات ایالتی و محلی در آلمان

انتخابات محلی در راین شمالی و وستفالن که روز ۱۳ماه می در این ایالت آلمان برگزار شد نیز دارای نتایجی است که بررسی آن می‌تواند در مقایسه با سه انتخابات دیگر در فرانسه، یونان و ایتالیا به عنوان یک انتخابات آزمایشی یا به عنوان یک نمونه و جامعه‌آماری در مقیاسی کوچک‌تر یا تعمیم آن به کل آلمان نشانه‌ها و علایمی را در رابطه با سیاست‌های ریاضتی اقتصادی و نحوه تفکر آلمانی‌ها به یورو و EU به دست دهد. همچنین این انتخابات که در برجیمعت‌ترین ایالت آلمان یا جمعیتی حدود ۱۳میلیون نفر برگزار شد می‌تولد محک و آزمونی برای مرکل و میزان محبوبیت او به حساب آید. اگرچه این انتخابات نیز یک انتخابات محلی و در ایسن انتخابات از اقت شدیدی برخوردار شد و احزاب سوسیال دموکرات و سبزها نتوانستند برتری خود را در این ایالت به نمایش بگذارند و مجددا در این ایالت قدرت را از آن خود سازند. بنا بر گزارش‌های خبری این بدترین نتیجه برای دموکرات مسیحی‌ها در ایالت مزبور تا به امروز است.

تعلیلگران بسیاری نتایج انتخابات در ایالت مزبور را مرتبط با سیاست‌های سرشناخته مرکل درخصوص انضباط مالی و انجام سیاست‌های ریاضت‌های اقتصادی می‌دانند. رای‌دهندگان در این ایالت راحل مشکل اقتصادی این ایالت را نسخه مرکل نمی‌دانند و لذا در انتخابات با رای منفی به حزب مرکل در واقع به سیاست‌های او پاسخی منفی داده‌اند. اگرچه این انتخابات نیز یک انتخابات محلی و در شرایط کنونی لطمه‌ای به سیاست‌های برلین و مرکل نخواهند زد اما حاوی پیامی است که اهمیت آن برای مرکل و همکاران او بسیار حایز اهمیت است. انتخابات عمومی آلمان نیز در سال ۲۰۱۳ بر گزار می‌شود.نتایج انتخابات این ایالت می‌تواند نهایتاً سرنواشت دیگری را برای برلین‌نشینان در ۲۰۱۳ رقم بزند.

پایان کلام

چهار انتخابات در چهار کشور عضو اتحادیه را می‌توان به‌رغم تفاوت‌های بی‌شمار و حتی نوع هرکدام از انتخابات، اما در یک مقطع معین را مورد واکاوی قرداد و به ارزیابی نشست. به‌رغم تفاوت ساختاری و میزان ناهنجاری و ابعاد مشکلات اقتصادی و میزان و شدت اعمال سیاست‌های ریاضتی، محکی از وضعیت فکر عمومی اروپا در مقطع کنونی به حساب آورد.

این واقعیت دارد که اتحادیه اروپایی از بدو تولد تاکنون هیچ‌گاه اینچنین در بحران‌های داخلی خود به چالش کشیده نشده است. نه آنکه روند روبه جلو و رشد کمی و کیفی اتحادیه تحت‌تأثیر بحران‌های متعدد متوقف مانده بلکه ناچار است در بسیاری از توافقات و تفاهمات قبل و حتی دستاوردهای گذشته تجدیدنظر کند. در وضعیت بسیار وخیم یونان،، و در صورت خروج یونان یا اخراج آن از حوزه یورو آیا باید منتظر کشور دوم و سوم نیز بود؟ آیا خروج یونان از این حوزه شرایط وخیم‌تری را برای یونان به ارمغان نخواهد آورد؟ آیا یونان گرفتار آن‌تریشیم سیاسی و اقتصادی خودتهدیدی و هزینه‌ای برای اروپا محسوب نمی‌شود؟ آیا خروج یونان از حوزه یورو به تعبیر بعضی اروپاییان یک زخمی است نهایت‌الیتام خواهد یافت؟ آیا خروج یونان ساختار یورو را در نزد سایر کشورهای بحران‌زده شکننده‌تر از پیش نخواهد کرد؟ آیا عاقل و خرد جمعی اروپایی که بعد از «عالم تلاش» تجربه و انعطاف از اتحادیه زغال سنگ تا اتحادیه اروپایی این همه راه را پیموده است می‌تواند به راحتی شاهد عقبگرد و شکسته شدن چارچوب‌های اتحادیه باشد؟ آیا اروپای دوسره‌ته راهکاری عملی خواهد بود؟

اروپا در مسیر تحولات خود دچار سوالات و مشکلات بسیاری شده به‌خصوص در جهانی که عمدتاً با افزایش نقش ارتباطات، نقش و قدرت دولت‌ها نیز کاهش یافته و رهبران اروپایی نیز عمدتاً با آرای کمی بر رقایی خود پیروز میدان انتخابات هستند و آنچنان به‌نظر نمی‌رسد که این رهبران چون رهبران دهه‌های پیش اروپا از کاربزمای لازم برای مسیر و نفوذ بر قشر عظیمی از مردم خود برخوردار باشند.

دیدگاه

یونان در آستانه‌انتخاب راهی دیگر

اردشیر زارع‌قنوازی



■ برگزاری انتخابات پارلمانی یونان در روز یکشنبه ۱۷ ژوئن که در پی ناکامی احزاب عمده این کشور برای تشکیل دولت‌ائتلافی انجام می‌شود،از هم‌اکنون گمانه‌زنی‌ها درخصوص پیروز نهایی این دولت بزرگ را موجب شده است. طبق اکثر نظرسنجی‌های انجام‌گرفته حزب چپ رادیکال «سیریزا» به رهبری «الکسیس سپیراس» به همراه دیگر احزاب چپ مخالف برنامه‌های ریاضت اقتصادی، می‌تواند اکثریت کرسی‌های پارلمانی یونان را به دست آورد. این در حالی است که طی هفته‌های اخیر بانک مرکزی اروپا، صندوق بین‌المللی پول و رهبران حوزه یورو نسبت به خروج و نافرمانی دولت بعدی یونان از توافقات قبلی، شدیدا هشدار داده و تهدید کرده‌اند که این کشور در صورت تجدیدنظر در موافقتنامه‌های به‌عمل آمده به شدت تنبیه خواهد شد. نتیجه انتخابات شش می که هیچ‌کدام از احزاب عمده موفق به کسب اکثریت پارلمانی نشده و حتی ائتلاف حزب محافظه‌کار «دموکراسی نوین» و چپ میانه «پاسوک» نیز قادر به تشکیل دولت ائتلافی نشدند، نشان‌دهنده این واقعیت بود که فضای مجازی شد ریاضت اقتصادی یا «نه» بزرگ مردم یونان مواجه شده است. تهدیدات رهبران حوزه یورو و موسسات مالی منطقه بین‌المللی از جمله اظهارات خاتم «کرسستین لاگارد» رییس صندوق بین‌المللی پول مبنی بر «فراق مالیاتی» یونانی‌ها نیز به جای اینکه مردم این کشور را متنبوب کند، موجب عکس‌العمل قاطع و سخت آنان به‌خصوص به قضای مجازی شد که بلافاصله معذرت‌خواهی وی را به همراه داشت. ظاهراً خاتم لاگارد، این درس تاریخی را فراموش کرده است که در زمان تعمیق جنبش اعتراضی تهدید برای بازگشتی به نظم کهن در یک جامعه دموکراتیک جواب منفی می‌دهد و موجب تقویت تفکرات مخالفان را فراهم خواهد کرد. تهدیدات سریالی علیه یونانیان بالاخره صبر «گوتنر گراس» نویسنده و شاعر پر آوازه و برنده نوبل آلمانی را هم به سر آورد و وی در شعری ۱۲بیتی با نام «شرم اروپا» هم قاره‌ای‌های خود را به باد انتقاد گرفت. گراس در این شعر با گلایه شدید از غرب می‌گوید «چرا اروپا سراسرزمینی را که زمانی زادگاه فرهنگ و تمدن این قاره بوده است اکنون رسوای خاص و عام می‌کند، حقوقش را به غارت می‌برد و مردمش را به فقرمحکوم می‌کند.»

انتخابات یونسان در چنین فضایی قرار است برگزار شود و به یقین آرای خشمگینان از وضع موجود و برنامه‌های ریاضتی، تعیین‌کننده نتیجه این نبرد دموکراتیک خواهد بود. در هفته‌های اخیر چندین بار گفته شد که بعضی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که «حزب دموکراسی نوین» از «حزب سیریزا» پیشی گرفته است اما به نظر می‌رسد که این گفته‌ها در راستای شاتازن سیاسی و رویه نرم تهدیدات جاری است. اروپایی است و گردنه هیچ دلیل منطقی براساس مستندات حوزه مجازی و برای اثبات این موضوع وجود ندارد. از طرف دیگر با توجه به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه و پیروزی «فرانسوا اولاند» که با وعده تجدیدنظر در برنامه‌های ریاضت اقتصادی «سارکوزی- مرکل» و اعمال سیاست جایگزین «شد» به میدان آمده بود، چریش قدرت به سود چهرگیاران تغییر بیشتری کرده و حامیان یونانی برنامه‌های ریاضتی بیش از پیش زیر فشار افکار عمومی قرار گرفته‌اند. همچنین اظهارات مقامات سیاسی – مالی اروپایی نشان می‌دهد که حوزه یورو فراتر از مشکل یونان به شدت دچار معضلات ساختاری است چنانچه «ولی» که کمیسر امور اقتصادی اتحادیه اروپایی می‌گویی «انتظار می‌رود به دلیل مشکلات مالی کشورهایی که از واحد یورو استفاده می‌کنند اقتصاد این حوزه در سال ۲۰۱۲ نیز حدود سه‌دهم درصد رشد منفی داشته باشد.» مطمئناً در چنین وضعیتی تهدیدباتی چون گفته «ولفگاتگ شوبله» وزیر دارایی آلمان مبنی بر اینکه «خروج یونان از یورو مشکلاتی برای ما ایجاد نکرده و آنان زبان خواهد دید» یا این سخن «وینس ویدمن» رییس بانک مرکزی اروپا که می‌گوید «نتیجه عمل نکردن یونان به تعهداتش از میان رفتن اساس کمک‌های تازه خواهد بود» برای مردم خشمگین یونان چندان موجب هراس نخواهد شد. تازه اینکه رهبر حزب سیریزا که امید شماره یک پیروزی در انتخابات ۱۷ ژوئن است در دیدار با رهبران حزب چپ آلمان می‌گوید «بارها تکرار کرده‌ام که پیروزی در این انتخابات به معنای تمایل به خروج از حوزه یورو نیست بلکه فرصتی بزرگ برای نجات پول واحد است.» وی همچنین در جواب تهدید خاتم مرکل که گفته است «یونان در صورت اجرای سیاست ریاضت اقتصادی در حوزه یورو باقی می‌ماند»، می‌گوید «آنان بلوف می‌زنند زیرا نمی‌توانند به سادگی یونان را مجبور به خروج از حوزه یورو کنند» در یک جامعه دموکراتیک مردم با رجوع به صندوق رای آرای آزاد خود را برای انتخاب «راه» نشان خواهند داد و به یقین آنچه در ۱۷ ژوئن در انتخابات یونان رقم بخورد تجلی همین اراده آزاد بوده و هر گونه تهدیدی نسبت به این رای نشان‌دهنده عدول از دموکراسی به دلیل حفظ ساخت تئوپلیرال است که تصویری از سقوط اروپای دموکراتیک به سطح کشورهای در حال توسعه خواهد بود.